[219] نگردد، وحقى كه مخفى نشود. أي مردم ! از خواب غفلت برخاسته واز فرصت گسترده واز تاريكى بسيار، واز كم بودن راه رهايى برخيزيد، سوگند به آنكه دانه را شكافت وانسان را خلق كرد وعظمت را بر خود پوشانيد، اگر از ميان شما گروهى با من باشند كه قلبهاى صاف ونياتي صادق داشته باشند، كه در آن نفاق نبوده وقصد تفرقه افكني نداشته باشند، قدم قدم با شمشير با آنان مى جنگم، وشمشيرها ونيزه ها را در اطراف آنان قرار داده، واسبها را در اطراف ايشان بحركت در آورم. (37) خطبهء آن حضرت در علت صلح ايشان روايت شده: هنگامى كه امام با خنجر مسموم مورد حمله قرار گرفت به مكاني بنام (بطن جريح) كه عموى مختار بر آن حكومت مى كرد رفت، مختار به عمويش گفت: بيا تا حسن بن على را گرفته وبه معاويه تسليم نمائيم، هنگامى كه شيعيان قصد أو را دانستند قصد كشتن مختار را كردند، عمويش از آنان خواست كه از أو در گذرند، آنان نيز درگذشتند.

_____